

تاریخچه زندگی روزا لوسکزامبورگ

- ۱۸۷۱:
روزا در روز پنجم ماه مارس به عنوان آخرین فرزند خانواده در ساموسک در ناحیه لوبلین بدنیا آمد. او چهار خواهر و برادر داشت و خانواده اش از اقشار متوسط لهستان بود. در خانواده روزا یک جو هنری و فرهنگی وجود داشت.
- ۱۸۷۳:
خانواده روزا به ورشو کوچ کرد و روزا بیک بیماری لکن خاصه مبتلا شد و به علت بیماری موقعت خاصی در خانواده کسب کرد.
- ۱۸۸۴:
وارد دبیرستان دخترانه ورنو شد.
- ۱۸۸۷:
عضویت یکی از حوزة های "حزب انقلاب بیون لهستان" در آمد. بهنگام اعطای گواهینامه های پایان دوره تحصیلی هیئت مدیره دبیرستان از دادن جایزه ای که به روزا به عنوان شاگرد ممتاز تعلق گرفته بود خود داری کرد و علت آنرا فعالیت های سیاسی و تمام سهای انقلابی روزا ذکر کرد.
- ۱۸۸۹:
قبل از دستگیری به سویس فرار کرد.
- ۱۸۹۰:
تحصیلات دانشگاهی او در دانشگاه زوریخ سویس (ریاضیات و علوم طبیعی) و آشنای روابط او با لئو بوگنیش.
- ۱۸۹۲:
تغییر رشته تحصیلی به حقوق، بعد از تماس موقتی با گروه پله خانف "آزادی کار"، به همکاری نزدیک و شدید با "حزب سوسیالیست لهستان" دست زد.
- ۱۸۹۳:
همکاری با روزنامه "موضوع کار" را شروع کرد و در ۱۸۹۴ سردبیر این روزنامه شد. در همین سال روزا به عنوان نماینده "گروه موضوع کار" برای اولین بار در کنفرانس سیمونال دوم شرکت کرد و در آنجا بحث و مجادله شدید بین او و رهبران سوسیال دموکراسی لهستان بر سر مسئله استقلال لهستان در گرفت. رهبران سوسیال دموکراسی لهستان از استقلال حزب طرفداری میکردند و روزا معتقد به همکاری نزدیک حزب با طبقه کارگر روسیه بود.

۶ گروه موضوع کار "از حزب سوسیال دموکرات لهستان شمعند و حزب جداگانه ای بنام "سوسیال دموکراسی لهستان" بوجود آورد. روزا یکی از رهبران اصلی حزب جدید - بود. این حزب در سال ۱۸۹۹ با حزب سوسیال دموکرات لهستانی حزب واحدی را تشکیل داد. روزا نفوذ زیاد و دراز مدتی در حزب جدید داشت.

۱۸۹۵-۱۸۹۷

همکاری با روزنامه "صدای کارگر" چاپ زوریخ (سوئیس) و "مجله عصر نوین" چاپ اشتوتگارت آلمان. روزا مقالات متعددی در این روزنامه در مورد مسئله کارگران لهستانی منتشر ساخت. روزا در بهار ۱۸۹۷ تنه‌هایمان تحصیل خود را در باره "توسعه صنعتی در لهستان" - منتشر کرد و به علت موانعی که در مورد جواز اقامت او در آلمان پیش آمده بود مجبور باز وراج فلاپی با کارل لوپک شد تا با بنویسید به تابعیت آلمان درآید.

۱۸۹۸

عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان شد و سر دبیری روزنامه "روزنامه کارگری ساکن" باو محول گردید علاوه بر این عضویت هیئت تحریریه "مجله" "عصر جدید" و روزنامه "خلق لایپزیک" نیز در آمد و با کارل کائوتسکی و لویزه کائوتسکی طرح دوستی ریخت. در همین سال بود که روزا سلسله مقالاتی تحت عنوان "رفورم اجتماعی و انقلاب" منتشر ساخت.

۱۸۹۹-۱۹۰۴

در کنفرانس‌های سالانه حزب سوسیال دموکرات آلمان فعالانه شرکت میکرد و در کنفرانس ۱۸۹۹ که بحث بر سر تجدید نظر در برنامه حزب بود او بعنوان نماینده جناح - چپ بندهت در مباحثات شرکت کرد و مسافرنهای تهیهی زیادی بنقاط مختلف آلمان نمود. روزا در سال ۱۹۰۳ از همسر ظاهرین رسوا جدا شد.

۱۹۰۴

روزا به علت سخنرانی‌ای که بر ضد ویلهلم دوم امپراطور آلمان ایراد کرده و - گفته بود: "مردی که از زندگی مرده و مطلق کارگران آلمانی صحبت میکند، از حقایق هیچگونه اطلاعی ندارد" تحت تعقیب قرار گرفت و برای اولین بار زندانی شد. او در همین سال کتاب "مسایل متوسط به سوسیال دموکراسی روسیه" را نوشت.

۱۹۰۵

عضویت شورای نویسندگان روزنامه "ساوات" در آمد و مخفیانه بورشو مسافرت کرد و در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه شرکت نمود.

: ۱۹۰۶

در روز شنبه دستگیر شد و بعد از چند ماه بقیه ضمانت مالی آزاد شد و به فرانسه
 گریخت در همین سال کتاب "اعتصاب توده‌های حزب" و اتحادیه کارگری "را نوشت. پس از سراف
 جمعیت آلمان در گنگره سالانه حزب سوسیال دموکرات مباحثات شد پدید میسر موضوع اعتصاب
 سیاسی توده‌های میان او و عده‌های دیگر در گرفت و روزا با اتهام "تخریب و تخریب به فعالیت
 های قهرآمیز" از طرف دولت دستگیر و زندانی شد .

: ۱۹۰۷

روزا بار دیگر به علت فعالیت‌های سیاسی انقلابی توقیف شد. در اواخر همین سال استاد پارکلاسی‌های
 حزبی در برلین گردید و در ضمن انجام این وظیفه حزبی کتاب "انهاست سرمایه" را
 تألیف کرد. (۱۹۱۳)

: ۱۹۱۰-۱۹۱۳

بدوستی خود با کائوتسکی به علت انحرافات او خاتمه داد و در تظاهرات زیادی شرکت
 نمود و سخنرانیهایی متعددی در مورد حق آزادی انتخابات و موضوع اعتصاب توده‌های ایبراد
 کرد و در گنگره‌های آلمان حزب سوسیال دموکرات به شدت با ورود آلمان به جنگ در شرف وقوع مخالفت
 کرد و ضمن نطقی در فرانکفورت چنین گفت: "اگر انتظار داشته باشید که طبع برادران -
 فرانسوی و سایر برادران خارجی خود اسلحه بدست بگیریم، در جواب شما میگوئیم نه. من
 این کار را نخواهم کرد!" در همین سال روزا مجله "مراسلات سوسیال دموکراسی" را بوجود
 آورد .

: ۱۹۱۴

در فوریه این سال روزا به علت سخنرانی که در بالا بیان اشاره کردیم دستگیر و -
 محکوم به کمال زندان شد . او در نطق دفاعیه معروفش در باره "نظامی گری، جنگ و طبقه کارگر"
 سخنرانی بسیار مهمی ایبراد کرد . در چهارم اوت سال ۱۹۱۴ فراکسیون پارلمانی حزب
 سوسیال دموکرات به لایحه اعتبار جنگی آلمان [بودجه لازم برای ورود آلمان در جنگ جهانی
 اول] رای موافق داد . چند هفته بعد اولین بیانیه اعتراضیه به طرح سیاست جنگ طلبانه حز
 سوسیال دموکرات آلمان از طرف عده ای از اعضای این حزب منتشر شد که روزا ولیب گشت و
 مهر رنگ از جمله امضا کنندگان این بیانیه بودند .

: ۱۹۱۵

روزا بار دیگر دستگیر و محکوم به کمال زندان شد . او در زندان "جزوه‌های جونوس"
 را نوشت و اعلامیه‌های فراوانی را مخفیانه تهیه کرد و بخارج از زندان فرستاد . در همین

سال و در ضمن اقامت خود در زندان با تفاق لب گشت مجله "انتر ناسیونال" را تأسیس کرد و پس بعد از انتشار اولین شماره آن بلا فاصله مجله توقیف شد.

۱۹۱۶:

روز اول ژانویه این سال کنگره سراسری گروه "انتر ناسیونال" در برلین تشکیل شد و اسامی را که روزا لوکزامبورگ تهیه کرده بود تصویب کرد.
گروه انتر ناسیونال "جملت انتشار نشریه مخفی" نامه های اسپارتاکوس" که ارگان آن بود، معروف بدسته اسپارتاکوس شد. روزا در نشریه این سال پس از گذراندن دوره "یکساله" محکومیت خود از زندان آزاد شد و مدت کوتاهی بعد از آن در تظاهرات دسته اسپارتاکوس بر علیه جنگ شرکت کرد و بار دیگر توقیف شد و با وجود آنکه بارها از زندانی به زندان دیگر کوچ داده شد معینا اعلامیه های زیادی را در زندان تهیه کرد و مخفیانه بخارج رساند و مقالات متعددی برای نشریه "نامه های اسپارتاکوس" نوشت. در همین ایام کتاب "سرگذشت معاصرین من" اثر "کوروکو" را به آلمانی ترجمه کرد و در سال ۱۹۱۸ کتاب "انقلاب روسیه" را برشته، تیسر در آورد.

۱۹۱۸:

بعد از پایان جنگ جهانی اول و شکست آلمان روزا از زندان آزاد شد. انقلابی که از کپل [شهری در شمال آلمان] شروع شده بود به برلین نیز سرایت کرد. روزا با تفاق لب گشت که او نیز تازه از زندان آزاد شده بود اولین شماره نشریه "پرچم سرخ" را بعنوان ارگان گروه اسپارتاکوس منتشر ساخت.

در روز ۲۹ دسامبر ۱۹۱۸ یعنی در روز تأسیس حزب کمونیست آلمان (دسته اسپارتاکوس) - روزا نطق افتتاحیه را ایراد کرد و برنامه حزب را اعلام نمود.

۱۹۱۹:

۱۱ ژانویه: آخرین مقاله "روزت تحت عنوان "نظم و انضباط در برلین برقرار است" در "پرچم سرخ" منتشر شد. روز بعد روزا دستگیر شد و به "هتل ادن" برلین فرستاده شد. در همین انتقال او از این هتل، روزا بموسله، سرمازان "گروه آزاد" بقتل رسید و - جنازه اش به کانال انداخته شد. روز ۳۱ ماه مه یعنی چهار ماه و نهم بعد از قتل او یعنی روزا را پیدا کردند و در برلین به خاک سپردند.